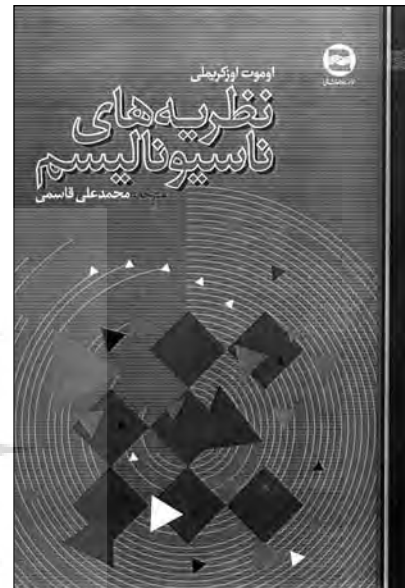


غفلت از منشأ بین المللی و منطقه ای ناسیونالیسم

مجتبی مقصودی

عضو هیئت عملی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - تهران مرکزی



- نظریه‌های ناسیونالیسم
- اوموت اوزکریملی
- محمدعلی قاسمی
- مؤسسه مطالعات ملی
- ۱۳۸۳، ۲۹۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۳۰۰۰ تومان

مقدمه:

مطالعات حوزه ناسیونالیسم در سطح جهان از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به لحاظ کمی و کیفی وارد مرحله جدیدی شد. فرایند نوین جهانی شدن، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خیزش‌های جدید ناسیونالیستی در اقصی نقاط جهان توأمان به بسط و تعمیق تئوریک و پراکتیک پژوهش‌ها در این حوزه کمک زیادی کرد.

طیف گسترده آثار منتشر شده به همراه گسترش مراکز پژوهشی و تمرکز بر موضوع، ابعاد، کارکردها، دستاوردها، پیامدها و اجزا ناسیونالیسم و نیز تأسیس و راه اندازی دپارتمانها و فصلنامه‌های علمی، برگزاری همایشها، سمینارها و کارگاههای آموزشی، در زمره آثار تحول در این عرصه تلقی می‌شود و در ایران نیز کم و بیش شاهد آثار مشابهی بوده‌ایم. کتاب «نظریه‌های ناسیونالیسم» اثر اوموت اوزکریملی Umut ozkirimli محقق ترک تبار، پنجمین عنوان از کتابهای مؤسسه مطالعات ملی است که در این حوزه منتشر شده است.

معرفی اثر

کتاب «نظریه‌های ناسیونالیسم» با عنوان اصلی «مقدمه‌ای انتقادی بر نظریه‌های ناسیونالیسم» Theories of Nationalism: A critical Introduction اثر اوموت اوزکریملی توسط انتشارات پال گریو مک‌میلان Palgrave Macmillan منتشر شده است. این کتاب پس از پیشگفتاری به قلم فرد هالیدی، در هفت

فصل به بحث درباره موضوع ناسیونالیسم می‌پردازد. نویسنده در گام نخست به ارائه شرحی مختصر و روشمند از برخی نظریه‌های کلیدی مربوط به ناسیونالیسم می‌پردازد. در مرحله بعد به اصلی‌ترین انتقادات وارد بر نظریات مطروحه از منظری تطبیقی اشاره می‌کند و در مرحله نهایی با تشخیص نقصان و ضعفهای مباحثه کلاسیک و تعیین معضلات هر یک از دیدگاههای نظری، چارچوبه‌ای تحلیلی مبتنی بر پنج گزاره را به عنوان دستورالعمل پایه‌ای مطالعه ناسیونالیسم، به خوانندگان و علاقه‌مندان ارائه و تجویز می‌نماید. (صص ۱۸ و ۲۶۹)

فصل اول کتاب به عنوان مقدمه اثر به اهداف نویسنده از تدوین کتاب و سپس به ساختار آن می‌پردازد و نهایتاً برخی منابع تکمیلی برای مطالعه علاقه‌مندان معرفی می‌شود. در فصل دوم مراحل چهارگانه مطالعه ناسیونالیسم به ویژه گفتمانها و مباحثات اصلی مربوط به این حوزه از قرن هیجدهم تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد طرح و بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم، چهارم و پنجم نظریات ازلی‌انگاری قومی، مدرنیسم و نمادپردازی قومی به بحث کشیده شده است. در فصل ششم به رویکردهای نو به ناسیونالیسم به ویژه از نظر باز تولید ملیت، ناسیونالیسم مبتدل و جنسیت توجه شده است. در آخرین فصل کتاب، ضمن ارزیابی انتقادی از دیدگاههای مطرح، اصول حاکم بر مطالعه ناسیونالیسم و چارچوبه پیشنهادی و تجویزی نویسنده بر این مطالعات ارائه می‌شود. به زعم نویسنده، مباحث آکادمیک

درباره ناسیونالیسم در نیمه دوم قرن بیستم به پخته‌ترین دوره خود رسید و مباحثات نظری معاصر حول پاسخگویی به سئوالات اصلی و بنیادین زیر سازماندهی می‌شود، بدین لحاظ رویکرد کتاب نیز معطوف به درک نحوه پاسخگویی به این پرسشها خواهد بود:

- ملت چیست و ناسیونالیسم کدام است؟

- بستر نضج ملتها و ناسیونالیسم چیست و تا چه اندازه پدیده‌هایی مدرن تلقی می‌گردند؟

- گونه‌های متفاوت ناسیونالیسم کدام‌اند؟ (ص ۷۵)

ملاحظات چند بر کتاب

کتاب «نظریه‌های ناسیونالیسم» علیرغم حجم کم خود، عصاره هزاران صفحه از آثار این حوزه از بطن ادبیات انگلوساکسون است. علیرغم خلاهایی که بدان اشاره خواهیم کرد، کتاب در برگزیده شاخص‌ترین و مهم‌ترین نظریات حوزه ناسیونالیسم است که ضمن طرح شاکله و مهم‌ترین محورهای مطالعات انجام شده، فاقد سوگیریها و پیشداوریها است. معرفی طیف وسیعی از صاحب‌نظران حوزه ناسیونالیسم به همراه ارائه نظرات و دیدگاههای آنان و از جمله اشاره ظریف به بیوگرافی تعدادی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان ناسیونالیسم، خوانندگان و مخاطبان را بیش از پیش در فهم اثر و برقراری ارتباط نزدیک با آن یاری می‌کند. (صص ۱۸۹، ۱۹۰)

مؤلف با انتخاب رویکردی انتقادی نسبت به دیدگاهها و نظریه‌پردازیهایی انجام شده، با نفی پذیرش بی‌چون و چرای الگوهای نظری غرب سعی در بومی‌سازی نظریات انجام شده دارد.

بی‌شک محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی اوزکریملی سهم بسیار زیادی در گرایش مؤلف به تألیف این اثر داشته است. وی که به عنوان محقق ترک‌تبار از دانشگاه بیگلی استانبول گونه‌های متفاوت و گاه خشونت‌باری از ناسیونالیسم قومی و مذهبی از جانب ترکها، کردها و اسلام‌گرایان را تجربه کرده است، در فضای نوین ترکیه ناشی از فرایند دموکراتیزه شدن نظام سیاسی و تعدیل

سیاستهای قومی، این امکان را یافته است تا به پژوهشی عمیق در این حوزه دست یابد. همچنان که اوزکریملی در ارائه ظریف بیوگرافی ارنست گلنر Ernest Gellner و ویژگی چند فرهنگی زادگاه وی، شهر پراگ را عامل مهمی در گرایش گلنر به فهم و ارائه تئوریهایی ناسیونالیستی می‌داند (صص ۱۵۶ و ۱۵۷)، خود نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بی‌آنکه اشاره‌ای به ویژگیهای زادگاه خود نماید محصول کشمکشهای جامعه ناهمگون و متحول ترکیه است. با این حال، علیرغم ورود اوزکریملی به حوزه‌ای که تا چند سال قبل در ترکیه ممنوعه تلقی می‌شد، اثر این نویسنده ترک‌تبار کاملاً نظری و مفهومی باقی مانده است و جز پاراگرافی کوتاه اصولاً ورودی به حوزه ناسیونالیسم قومی گروه‌های گرد در جامعه ترکیه ندارد. (ص ۲۷۱) این صیغه کاملاً نظری در فصل آخر که اشاراتی بسیار گذرا (نه تفصیلی و توصیفی) به مصادیق و کارکردهای ناسیونالیسم در سطح کشورهای جهان شده، حفظ گردیده است.

علیرغم احصاء گسترده و قابل توجه مطالعات ناسیونالیسم، تمرکز فصول مختلف بر شناسایی بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری ناسیونالیسم از منظر داخلی و ملی است، حال آنکه به بسترهای بین‌المللی و منطقه‌ای بروز انواع ناسیونالیسم توجه لازم مبدول نشده است. واقعیت آن است که گونه‌هایی از ناسیونالیسم، در یک قرن اخیر متأثر از ساختار نظام بین‌الملل، سیاست

قدرتهای جهانی و سازمانهای بین‌المللی بوده‌اند. در سطح منطقه‌ای نیز کنش و واکنش بازیگران منطقه‌ای و کشورهای همسایه نقش بسزایی در تشدید و یا تخفیف ناسیونالیسم آشوبگر و تجزیه طلب دارد. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۶۲)

چگونه می‌توان ناسیونالیسم در کشورهای لیتونی، لیتوانی، استونی، ترکمنستان، گرجستان، کرواسی و اسلوانی را فارغ از ملاحظات بین‌المللی دانست؟ چگونه می‌توان حمایت جامعه بین‌المللی و از جمله قدرتهای منطقه‌ای نظیر استرالیا را در حمایت از ناسیونالیسم تیمور شرقی در مقابل ناسیونالیسم اندونزیایی نادیده گرفت؟ (مقصودی، ۱۳۷۹: ۱۳۳-۱۳۱)

تجربه تأسیس دهها دولت ملی مؤید نقش کلیدی دوران گذار در ساختار نظام بین‌الملل در این پروسه است. استقلال اکثر دولتهای عربی در خاورمیانه

کتاب در برگزیده شاخص‌ترین و مهم‌ترین نظریات حوزه ناسیونالیسم است که ضمن طرح شاکله و مهم‌ترین محورهای مطالعات انجام شده، فاقد سوگیریها و پیشداوریها است

علیرغم ورود اوزکریملی به حوزه‌ای که تا چند سال قبل
در ترکیه ممنوعه تلقی می‌شد، اثر این نویسنده ترک‌تبار
کاملاً نظری و مفهومی باقی مانده است و جز پاراگرافی کوتاه
اصولاً ورودی به حوزه ناسیونالیسم قومی گروه‌های گرد
در جامعه ترکیه ندارد

از دولت عثمانی پس از جنگ جهانی اول محصول چنین وضعیتی است، حال آنکه به وضعیت دوران گذار بر شعله‌ور ساختن ناسیونالیسم توجهی نشده است. (مقصودی، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۳) اگر چه این بی‌توجهی و انقطاع تاریخی از نویسنده‌ای ترک‌تبار ساکن در جغرافیای سیاسی امپراطوری عثمانی پذیرفتنی نیست، ولی شاید با توجه به اذعان نویسنده به تمرکز اثر بر ادبیات و مطالعات انگلوساکسون، کم توجهی و بی‌توجهی این سنت و ادبیات بر نقش نظام بین‌الملل پذیرفتنی‌تر باشد.

تمرکز دیگر اثر بر جایگاه مدرنیسم در تبیین ناسیونالیسم است. یک سوم از حجم کتاب به طرح دیدگاههای حدود ده تن از صاحب‌نام‌ترین نظریه‌پردازان مدرنیسم درباره ناسیونالیسم اختصاص یافته است که می‌تواند به جهاتی مثبت، و به جهاتی منفی تلقی گردد. توسعه نامتوازن از تام یهزن، استعمار داخلی از مایکل هشتر، ابزار انگاری از پال براس و جوامع خیالی از بندیکت اندرسون در زمره موضوعاتی اند که از منظر مدرنیته به تحلیل و تبیین تفصیلی آن پرداخته شده است. (صص ۲۰۰-۱۰۹)

درباره ترجمه اثر

در ترجمه کتابها، ارائه مقدمه‌ای از مترجم، موجب نزدیکی اذهان مخاطبان و خوانندگان از یک سو و نویسنده از سوی دیگر می‌شود که در فهم متن و اثر نیز مؤثر خواهد بود و در مواردی جلوی بسیاری از سوءبرداشتهای را

نیز خواهد گرفت. جای خالی این مقدمه که در برگیرنده بیوگرافی علمی مؤلف کتاب اوموت اوزکریملی و نیز فرد هالیدی باشد، محسوس است. جا دارد در چاپهای بعدی، این مقدمه به اثر اضافه شود.

در ترجمه کتاب جملات و پاراگرافهای ثقیل و نامفهوم کم نیست. عدم دسترسی به متن انگلیسی کتاب امکان مقایسه را منتفی ساخته، اگر چه در هر صورت متن نیازمند شفاف‌سازی و روان‌سازی است. شاید بازبینی مجدد این موارد توسط مترجم محترم به فهم بهتر اثر کمک کند. در ذیل مواردی از عبارات نامفهوم یا ثقیل بدون هیچگونه تعبیر و تفسیر عیناً درج می‌شود: «دیگران، به شیوه دورکیمی، ناسیونالیسم را نایب مدرن و غیرمذهبی (سکولار) دین تلقی می‌کنند که اساساً در دوران دردآلود گذار به مدرنیته بروز می‌کند.» (ص ۲۷)

«تصمیم ملتها و ناسیونالیسم، یکی از نشریات آکادمیک پیشرو در این زمینه، برای انتشار ویژه‌نامه‌ای درباره «جنسیت و ملت» مثالی روشن از این روند است.» (ص ۲۸)

«ملت‌ها پدیده‌هایی محتمل‌تر از جوامع زبانی و فرهنگ مشترک ناسیونالیست‌ها هستند.» (ص ۴۸)

«از این رو، تدوینهای وی مرحله کاملی برای مطالعات قرن بیستم خواهد بود.» (ص ۵۱)

«از این رو، در حالی که ژاکوبینیستها دموکراتیک و انقلابی بودند، ناسیونالیسم سنتی اشرافی و تحولی بود.» (ص ۵۵)

«کدخدای خشنود، پدرا، قدری مسلک و مظهر ارزشهای سنتی ترکیه بود.» (ص ۶۷)

«هر کتاب فروشی، مجموعه زیادی از تواریخ ناسیونالیستی را در خود جای داده است که بر ریشه‌های ازلی ملت‌های خاص تأکید دارند.» (ص ۱۰۸)

بکارگیری برخی معادلهای دور از ذهن و غیرمصطلح از جمله ویژگیهای ترجمه کتاب «نظریه‌های ناسیونالیسم» است. کاربرد معادلهایی چون: «خاص بودگی» برای Particularism (ص ۸۱)، «مؤدیات» برای Given (صص ۸۶، ۹۵ و ۹۷) و «دادگی» برای givenness بسیار تعجب‌برانگیز است. حال آنکه به ترتیب اصطلاحات خاص گرای، مفروض و مفروض بودن معادل‌هایی دقیق‌تر و مناسب‌تر است. کاربرد «ملک مطلق» (ص ۱۰۰) به جای «ملک طلق»، «پولانتزاس» (ص ۴۲) به جای «پولانتزاس» از موارد دیگر در ارتباط با ترجمه محسوب می‌شود.

یکی دیگر از موضوعات مناقشه برانگیز ترجمه نام مجلات در کتاب است، در حالی که ترجمه نام آنها به فارسی معمول نیست. به عنوان نمونه، در ترجمه فارسی، نام مجلاتی چون اکونومیست، فارین پالیسی، گاردین و لوموند معمولاً معادل‌یابی نمی‌شوند، حال آنکه مترجم محترم به ترجمه نشریه «تصمیم ملتها و ناسیونالیسم» مبادرت ورزیده، به علاوه، آنکه معادل انگلیسی آن را نیز در ذیل صفحه درج نموده است.

مشخصاً، بعد از سالها رویارویی، عناد و سردرگمی، بخش‌های قابل توجهی از جامعه سیاسی نسبت به ناسیونالیسم، انتخاب کتاب نظریه‌های ناسیونالیسم برای ترجمه، گرایشی آگاهانه برای تبیین و فهم علمی ناسیونالیسم فارغ از پیشداوریها ارزیابی می‌شود.

تجربه دوران معاصر ایران، به ویژه یک قرن اخیر حکایت‌های فراوانی از افراط و تفریط در هواخواهی یا ضدیت با ناسیونالیسم را در بطن خود دارد. ترجمه این کتاب علیرغم همه کاستیهای آن گامی ارزشمند تلقی شده و مطالعه آن به علاقمندان این حوزه پیشنهاد می‌شود.

چگونه می‌توان ناسیونالیسم در کشورهای لیتونی، لیتوانی، استونی، ترکمنستان، گرجستان، کرواسی و اسلوانی را فارغ از ملاحظات بین‌المللی دانست؟ چگونه می‌توان حمایت جامعه بین‌المللی و از جمله قدرتهای منطقه‌ای نظیر استرالیا را در حمایت از ناسیونالیسم تیمور شرقی در مقابل ناسیونالیسم اندونزیایی نادیده گرفت؟

تجربه دوران معاصر ایران، به ویژه یک قرن اخیر حکایت‌های فراوانی از افراط و تفریط در هواخواهی یا ضدیت با ناسیونالیسم را در بطن خود دارد

«هر ملت، که بیش از مجموع کل شهروندان آن است، باید دولت خود را تأسیس کند.» (ص ۳۳)

«مشیله حامی جنبشهای ناسیونالیستی در ایتالیا، لهستان و ایرلند بود که همگی طرفهای جنبش اروپای جوان ماتزینی بودند، و آنها را «همدلان برادرانه فرانسه» می‌نگریست.» (ص ۳۸)

«از یک طرف، کارگران فراخوانده می‌شوند تا دست به مبارزه ملی بزنند یعنی علیه بورژوازیهای خودشان؛ از سوی دیگر، انتظار می‌رود آنان به آرمانهای انقلاب بین‌الملل وفادار بمانند.» (ص ۴۲)

منابع:

- ۱- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۹)، «اندونزی؛ درس‌هایی از بحران همبستگی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۹
- ۲- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها تهران: موسسه مطالعات ملی
- ۳- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی